

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: 1400/02/12

**موضوع:** امنیت عالم به خاطر وجود حجت‌های الهی؛ به تصریح منابع شیعه و سنی!

برنامه حبل المتین

فهرست مطالب این برنامه:

ذکر مصیبت حضرت زهرا (سلام الله علیها) از زبان امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

مروری بر مطالب جلسه گذشته!

بزرگان اهل سنت، کلمه «مولا» و «ولی» را چگونه معنا کرده اند!؟

ضرورت وجود حجت خدا در روی زمین، در منابع معتبر شیعه و اهل سنت!

تعبیر بسیار زیبای «آلوسی» درباره لزوم وجود حجت خدا در زمین!

امنیت عالم به خاطر وجود حجت‌های الهی؛ به تصریح منابع معتبر شیعه و سنی!

جایگاه حقیقی امام معصوم را اینگونه باید شناخت!

ذکر مصیبت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

اینگونه خود را برای شب های قدر آماده کنیم!

تنها کسانی که در قیامت اظهار ندامت و پشیمانی نمی‌کنند!!

مجری:

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين

ای شهید عدل خود در بیت داور یا علی

ای غمت از ریگ صحراها فزون تر یا علی

مرد بدر و مرد خیبر مرد احزاب و احد

از چه بستی چشم و افتادی به بستر یا علی

صبر تو بر حفظ دین در خانه آتش زده

سخت تر باشد بسی از جنگ خیبر یا علی

زخم دل را می توان دید و برای آن گریست

دیدن زخم جگر نبود میسر یا علی

السلام عليك يا اول مظلوم ظلم حقه السلام عليك يا اميرالمؤمنين يا علي بن ابي طالب (سلام الله عليه)

عرض سلام و ادب و احترام دارم خدمت همه شما بینندگان عزیز و ارجمند «شبهه جهانی حضرت ولی عصر».

همچنین ایام و لیالی یتیم شدن مؤمنین را اولاً به محضر و ساحت حضرت صاحب العصر و الزمان و بعد از آن

به همه شما شیفتگان و شیعیان مولای علی بن ابی طالب تسلیت عرض می نمایم.

این افتخار را داریم در چنین شب باشکوهی در محضر شما باشیم و ان شاء الله بتوانیم دست مایه ای برای خودمان

بگیریم و معرفتمان را نسبت به اهل بیت افزون تر کنیم.

در خدمت شما هستیم و برنامه «حبل المتین» را به محضر شما گرامیان تقدیم می‌کنیم. به روال همیشگی برنامه این افتخار را داریم تا در محضر حضرت استاد آیت الله حسینی قزوینی باشیم.

ابتداءً عرض سلام و ادبی محضرشان داشته باشیم و بعد از آن روال اصلی بحث را پی بگیریم. محضر شما سلام عرض می‌کنم و تسلیت می‌گویم.

### آیت الله حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ بنده هم خدمت حضرتعالی تسلیت عرض می‌کنم. همچنین خالصانه‌ترین سلام را خدمت مولایمان حضرت بقية الله الاعظم (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) و عرض تعزیت به مناسبت ایام شهادت مظلومانه و غریبانه جد بزرگوارشان حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) دارم.

همچنین خدمت همه شما بینندگان و گرامیان عزیز که در هرکجای این کره خاکی بیننده برنامه هستید یا تکرار برنامه را می‌بینید، خالصانه‌ترین سلام را همراه با آرزوی موفقیت تقدیم می‌کنم. ایام شهادت امیرالمؤمنین اولین مظلوم عالم را خدمت شما گرامیان تسلیت و تعزیت عرض می‌کنم.

خدا را به آبروی این امام همام سوگند می‌دهم پاداش ما را در این مصائب بزرگ، فرج موفور السرور مولایمان حضرت بقية الله الاعظم (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) قرار بدهد، ان شاء الله.

ما طبق روال همیشگی برنامه برای اینکه خودمان، شبکه، دست اندرکاران برنامه و بینندگان عزیزمان را بیمه حضرت صدیقه طاهره کرده باشیم، یادی از حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) می‌کنیم.

ذکر مصیبت حضرت زهرا (سلام الله علیها) از زبان امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

چه بهتر که امشب روضه حضرت زهرا را از زبان امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) قرائت کنیم. در کتاب «نهج البلاغه» خطبه 202 تعبیر بسیار سخت و جانگدازی آورده شده است. حضرت به هنگام دفن حضرت زهرا خطاب به رسول گرامی اسلام عرضه داشت:

«قَلَّ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَنْ صَفِيَّتِكَ صَبْرِي وَ رَقَّ عَنْهَا تَجَلُّدِي»

یا رسول الله در مصیبت فاطمه زهرا کاسه صبرم لبریز شد و طاقتم از دست رفت.

نهج البلاغه، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص 320، خ

202

برای امیرالمؤمنین که فاتح تمام جنگ‌هاست و مردم از او جز فتح و فتوحات و شجاعت چیزی ندیدند، خیلی سخت است که مردم ببینند در کنار قبر حضرت فاطمه زهرا اینچنین مظلومانه روضه می‌خواند.

من علی‌ام که خدا قبله نما ساخت مرا

جز خداوند و نبی و فاطمه نشناخت مرا

من که یکباره در قلعه خیبر کندم

غم زهرا به خدا از ثمر انداخت مرا

«نَفْسِي عَلَى زَفَرَاتِهَا مَحْبُوسَةٌ»

زهرا جان! نفس در سینه‌ام تنگ شده است.

«يَا لَيْتَهَا خَرَجَتْ مَعَ الزَّفَرَاتِ»

ای کاش جانم با این نفس کشیدن‌ها بیرون می‌آمد.

«لَا خَيْرَ بَعْدَكَ فِي الْحَيَاةِ وَإِنَّمَا»

بعد از تو دیگر در این زندگی صفایی نیست.

أَخْشَى مَخَافَةَ أَنْ تَطُولَ حَيَاتِي»

می‌ترسم بعد از تو بیشتر زنده بمانم.

مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، نویسنده: ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، ج 1، ص 240،

فصل فی وفاته ع

حضرت در جای دیگر می‌فرماید:

«أَمَّا حُزْنِي فَسَزَمْتُ وَأَمَّا لَيْلِي فَمُسَهَّدٌ»

بعد از این شب‌ها برای علی خوابی نیست و غصه‌های دل علی در فراق فاطمه زهرا تا آخر عمر باقی

است.

نهج البلاغه، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص 320، خ

202

دوست دارم در غمت یا فاطمه تنها بگریم

از یتیمان تو پنهان در دل شب‌ها بگریم

دوست دارم زینب من اشک چشمانم نبیند

گاه در صحرا و گه در نخلستان بگریم

صلی الله علیک یا مولاتی یا فاطمة الزهراء

**مجری:**

أحسنتم، طیب الله انفاکم. حضرت استاد بسیار ممنون و متشکر هستیم. قطعاً همه شما بینندگان مستحضر هستید که الحمدلله حضرت استاد روالی در ابتدای جلسات پیش گرفتند و محفلمان را منور می‌کنند و از صدیقه کبری می‌گویند.

چقدر زیبا و با مناسبت بود این کلماتی که در ابتدای این جلسه و به مناسبت خاص این ایام و لیالی از جانب حضرت استاد بیان شد.

حضرت استاد! ما بحثی را جلسه پیش آغاز کردیم و قطعاً بینندگان عزیز هم که جلسه پیش در خدمتشان بودیم مستحضر هستند.

ما اشاره کردیم به این که بالاخره در عالم چنین چیزی وجود دارد که ارتباط وثیقی بین امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) و قرآن کریم وجود دارد که ما نمونه و تجلی آن را در همین شبها می‌بینیم. شبهای قدر با نام امیرالمؤمنین عجین شده است.

سؤالی که ما جلسه پیش مطرح کردیم و حضرتعالی لطف فرمودید و مفصلاً توضیح دادید، نسبت به ارتباط آنها بود.

**مروری بر مطالب جلسه گذشته!**

اگر ما بخواهیم امیرالمؤمنین را در قرآن بیابیم، نیاز به یک سری ضروریات داریم و مقدماتی را باید بدانیم. حضرتعالی لطف کردید و به این مطلب اشاره فرمودید. اگر مختصری از بحث جلسه گذشته را توضیح بفرمایید تا وارد بحث امروز شویم، از شما ممنونیم.

## آیت الله حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لاسيما على مولانا بقية الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله الحمد لله الذي هدانا و ما كنا لنهتدى لولا أن هدانا الله

خدا را بر تمام نعمت‌هایش بویژه نعمت ولایت سپاس می‌گوییم. ما در جلسه گذشته عرض کردیم قبل از اینکه به امامت در قرآن بپردازیم و ولایت و خلافت و امامت امیرالمؤمنین را از قرآن اثبات کنیم، چند پیش درآمد و مقدماتی است که باید روشن شود تا بینندگان متوجه شوند.

نکته‌ای که در جلسه گذشته به آن اشاره کردیم، این بود که رسول اکرم فرمودند: امت من بعد از من به هفتاد و سه فرقه تقسیم می‌شوند. یک فرقه اهل نجات و هفتاد و دو فرقه وارد آتش جهنم خواهند شد.

این در حقیقت یک اخطار بسیار تکان دهنده است که ببینیم مذهب ما چه مذهبی است. آیا جزو هفتاد و دو و اکثریت اهل هلاکت هستیم یا جزو فرقه‌ای که اهل نجات است هستیم؟!

نکته جالب این است پیغمبر اکرم که قاطعانه می‌فرماید: "امت من به هفتاد و سه فرقه تقسیم می‌شوند و تنها یک فرقه اهل نجات هستند"، آیا ویژگی‌های فرقه ناجیه را بیان کرده یا خیر؟! آیا حضرت صفات و ویژگی‌های فرق هالکه و باطله را هم بیان فرموده‌اند یا خیر؟!

بهترین کسی که می‌تواند فرقه ناجیه و هالکه را برای ما روشن کند، رسول اکرم است. این قضیه خیلی هم زحمت ندارد، بلکه با مراجعه به کتب روایی و تاریخی و تفسیری بسیار راحت می‌توان این را به دست آورد. نکته دیگر که ما مطرح کردیم این است که حضرت می‌فرمایند:

«من مات بغير إمام مات ميتة جاهلية»

هرکسی بدون امام از دنیا برود، به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است.

مسند الإمام أحمد بن حنبل، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني، دار النشر: مؤسسة قرطبة

- مصر، ج 4، ص 96، ح 16922

ما باید ببینیم پدر و مادر و اجدادمان که از دنیا رفته‌اند، با اعتقاد از دنیا رفته‌اند یا خیر؟! ما باید ببینیم آیا روزی که عزرائیل به سراغ ما خواهد آمد، آیا واقعاً با اعتقاد به امام زمانمان از دنیا می‌رویم یا بدون اعتقاد؟! آیا مرگ ما مرگ اسلامی است یا مرگ جاهلی است؟! این هم نکته‌ای است که باید به آن دقت کرد و ما مفصلاً راجع به این موضوع بحث کردیم.

نکته سوم اهمیت ولایت و امامت بود و گفتیم که در روایت آمده است:

«بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ وَ لَمْ يَنَادَ بِشَيْءٍ كَمَا نُودِيَ بِالْوَلَايَةِ»

الكافي، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج 2،

ص 18، ح 3

ما روایاتی هم از منابع اهل سنت آوردیم که نقل شده بود پیغمبر اکرم به پنج امر توصیه کرده‌اند. روایت چنین است:

«أمر الناس بخمس فعلموا بأربع و تركوا واحدة»

مردم به پنج دسته مأمورند که چهار مورد را گرفتند و یکی را رها کردند.

«ولما سئل عن الأربع قال: الصلاة والزكاة وصوم شهر رمضان والحج»

سؤال کردم که آن چهار مورد چیست؟ گفت: نماز و زکات و روزه ماه رمضان و حج.



سپس می‌نویسد:

«قیل: فما الواحد آلتی ترکوها؟»

پرسیدم: موردی که مردم آن را ترک کردند کدام است؟

«قال: ولاية علی بن أبي طالب»

گفت: ولایت علی بن ابی طالب.

سپس می‌نویسد:

«قیل له: وإنما لمفروضة معهن قال: هي مفروضة معهن»

خطط الشام، المؤلف: محمد بن عبد الرزاق بن محمّد، كُرد علی (المتوفى: 1372 هـ)، الناشر: مكتبة

النوري، دمشق، الطبعة: الثالثة، 1403 هـ - 1983 م، ج 6، ص 245، باب الشيعة

این روایت در کتاب «مناقب» اثر «ابن مردویه» صفحه 72 هم نقل شده است. همچنین بحثی که اساسی‌ترین بحث است و باید روی آن کار شود، نقش شأن نزول در فهم آیات است. شیعه و سنی بر این عقیده هستند. «ابن تیمیه» در کتاب «مجموعه الفتاوی» جلد سیزده صفحه 339 به صراحت نقل می‌کند که آگاهی از شأن نزول یک آیه به ما کمک می‌کند تا مراد از آیه و معنا و مفهوم آیه را خوب درک کنیم.

نکته دیگری که مطرح کردیم این است که رسول گرامی اسلام مبین آیات است. کسانی که می‌گویند: "تنها از قرآن برای ما سخن بگوئید، ما قرآنی هستیم" ظاهراً یا قرآن نخوانده‌اند یا خوانده‌اند و عناد دارند. خداوند عالم در سوره مبارکه نحل آیه 44 می‌فرماید:

(وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ)

و ما این ذکر (قرآن) را بر تو نازل کردیم تا آنچه به سوی مردم نازل شده است برای آنها تبیین کنی.

### سوره نحل (16): آیه 44

قرآن کریم نمی‌فرماید که آیات را تلاوت و قرائت کنی، بلکه می‌فرماید ما این قرآن را نازل کردیم تا آن را تبیین و تفسیر کنی. این آیات کاملاً نشان می‌دهد که سنت در تبیین معانی قرآنی نقش اساسی دارد.

همچنین عرض کردیم بزرگان اهل سنت نظیر «ابن حجر عسقلانی» و «ابن عبدالبر» و «قرطبی» به صراحت می‌گویند جبرئیل همانگونه که قرآن را نازل می‌کرد، سنت را هم بر قلب رسول گرامی اسلام نازل می‌کرد. تنها تفاوت سنت با قرآن در تحدی و عدم تحدی است.

در پایان هم تفاوت کلمه «خلیفه»، «امام» و «ولی» را روشن کردیم و عرض کردیم هر سه این کلمات به یک معنا هستند. همچنین بیان شد کلمه «حاکم» هیچ تفاوتی با این کلمات ندارد.

«ابو زهره» یکی از علمای بزرگ و پرآوازه اهل سنت معاصر، در کتاب «تاریخ المذاهب اسلامیة» تعبیری دارد و می‌نویسد:

« إن المذاهب السياسية كلها تدور حول الخلافة وهي الامامة الكبرى وسميت خلافة لان الذي يتولاها، ويكون الحاكم الاعظم للمسلمين، يخلف النبي في ادارة شؤونهم »

بحث خلافت همان امامت کبری است. خلافت نامگذاری می‌شود و این همان سرپرستی و ولایتی است که حاکم اعظم برای مسلمین دارد و به خلافت از نبی مکرم در اداره شئون مسلمین نقش دارد.

«وتسمى الامامة لان الخليفة كان يسمى اماماً، و طاعته واجبة، ولان الناس كانوا يسرون وراءه، كما يصلون وراء من يؤمهم في الصلاة»

تاریخ المذاهب الإسلامية في السياسة و العقائد و تاریخ المذاهب الفقهية-المولف:دکتر ابوزهره، محمد-

الناشر:دار الفكر العربي- محل النشر:قاهره - مصر. ج 1، ص 20

بنابراین هرجایی عبارت "حاکم اسلامی"، "خلیفه پیغمبر"، "امام" یا "ولی امر مسلمین" بیاید تماماً به یک معناست و هیچ تفاوتی با هم ندارند. همه اینها اشاره دارد به کسی که بعد از نبی گرامی اسلام مسئولیت سیاست امور دین و دنیایی مردم را دارد.

**مجری:**

حاج آقا عذرخواهی می‌کنم در این میان در بعضی از حدیث مانند حدیث غدیر عبارت معروف «من كنت مولاه فهذا علي مولاه» را داریم.

الفاظی مانند «امام» و «خلیفه» و «ولی» و «حاکم» از سوی حضرتعالی ذکر شد. کلمه «مولا» هم در راستای همین جریان و کلمات قرار می‌گیرد؟!

بزرگان اهل سنت، کلمه «مولا» و «ولی» را چگونه معنا کرده اند؟!

**آیت الله حسینی قزوینی:**

به نکته زیبایی اشاره فرمودید، اتفاقاً جلسه قبل فراموش کردم این نکته را عرض کنم. در کتاب «فتح القدير» اثر آقای «شوکانی» که یکی از علمای بزرگ اهل سنت است و تفکر سلفی دارد، مطلبی در این زمینه آمده است.

معمولاً عربستان سعودی کتابهای ایشان را زیاد چاپ می‌کند و در اختیار مردم قرار می‌دهد. ایشان در رابطه کلمه «مولا» که در آیه قرآن کریم آمده است:

**(وَلَا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مَأْوَاكُمُ النَّارُ هِيَ مَوْلَاكُمْ وَبئس المصير)**

و نه از کافران، و جایگاهتان آتش است، و همان سرپرستان می‌باشد و چه بد جایگاهی است.

## سوره حدید (57): آیه 15

می‌نویسد:

«أى هى أولى بكم»

یعنی اولویت بر شما دارد.

«والمولى فى الأصل من يتولى مصالح الإنسان»

مولا در اصل درباره کسی استعمال می‌شود که متولی مصالح انسانهاست.

فتح القدير الجامع بين فنى الرواية والدراية من علم التفسير، اسم المؤلف: محمد بن على بن محمد الشوكانى، دار النشر: دار الفكر - بيروت، ج 5، ص 171، باب الحديد: (15) فالیوم لا یؤخذ... ..

این بدان معناست که «مولى» با «خليفه» و «امام» هیچ تفاوتی ندارد. آقای «قرطبی» در کتاب «تفسیر» جلد هفدهم صفحه 248 همین تعبیر را دارد و می‌نویسد:

«(هى مولاكم) أى أولى بكم والمولى من يتولى مصالح الإنسان ثم استعمل فيمن كان ملازماً للشيء»

الجامع لأحكام القرآن، اسم المؤلف: أبو عبد الله محمد بن أحمد الأنصارى القرطبي، دار النشر: دار الشعب - القاهرة، ج 17، ص 248، باب الحديد: (13) يوم يقول المنافقون... ..

«ابن منظور» هم در کتاب «لسان العرب» جلد پانزده صفحه 408 همین تعبیر را آورده و می‌نویسد که مراد از «مولا» در دین همان «ولى» در دین است. ایشان می‌نویسد:

«منها المولى فى الدين وهو الولى»

مولى در دین همان ولی در دین است.

«وذلك قوله تعالى: (ذلك بأن الله مولى الذين آمنوا وأن الكافرين لا مولى لهم) أى لا ولى لهم»

سپس می‌نویسد:

«ومنه قول سيدنا رسولا: من كنت مولاه فعلى مولاه»

این قول سید ما پیغمبر اکرم است که می‌فرماید: هرکس من مولای او هستم، علی مولای اوست.

«أى من كنت وليه»

هرکس من ولى امر او هستم، علی ولى امر اوست.

لسان العرب، اسم المؤلف: محمد بن مكرم بن منظور الأفریقی المصری، دار النشر: دار صادر - بیروت،

الطبعة: الأولى، ج 15، ص 408، باب ولى

لازم به ذکر است «ابن منظور» بهترین کتاب استعمال لغت عرب را دارد. آقای «زبیدی» هم در کتاب «تاج

العروس» همین تعبیر را دارد و می‌نویسد:

«أَنَّ الْمَوْلَى فِي الدِّينِ هُوَ الْوَلِيُّ»

مولای در دین همان ولى در دین است.

«وذلك قوله تعالى: (ذلك بأن الله مولى الذين آمنوا وأن الكافرين لا مولى لهم)، أى لا ولى لهم، ومنه

الحديث: (مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَى مَوْلَاهُ)، أى مَنْ كُنْتُ وْلِيْهِ»

تاج العروس من جواهر القاموس، اسم المؤلف: محمد مرتضى الحسينى الزبیدی، دار النشر: دار الهداية،

تحقيق: مجموعة من المحققين، ج 40، ص 245، باب ولى

ایشان هم به حدیث غدیر اشاره می‌کند. جالب است که آقای «بن عثیمین» یکی از شخصیت‌های برجسته وهابیت است که در زمان «بن باز» جزو مفتیان تراز دوم عربستان بود.

«بن باز» جزو مفتیان تراز اول عربستان بود و «بن عثیمین» جزو مفتیان تراز دوم عربستان بود. «بن باز» در سال 1420 هجری از دنیا رفت و «بن عثیمین» در سال 1421 هجری از دنیا رفت.

ایشان در جلد سوم کتاب «مجموع الفتاوی» در رابطه با مسئله «ولی» و اینکه آیا مراد از «ولی» چیست، می‌نویسد:

«ولاية مقيدة مضافة»

ولایت گاه‌ها مقید و مضاف است.

«فهذه تكون لغير الله و لها فى اللغة معان كثيرة»

سپس می‌نویسد:

«منها الناصر و المتولى للأمر و السيد»

یکی از معانی مولی نصرت دهنده و متولی و سرپرستی به امور مردم و سید است.

ایشان سپس می‌نویسد:

«قال صلى الله عليه و سلم: من كنت مولاة فعلى مولاة»

مجموع فتاوی و رسائل ابن عثیمین؛ المؤلف: محمد بن صالح بن محمد العثیمین (المتوفى: 1421 هـ)،

المحقق: فتاوى العقيدة جمع وترتيب: فهد بن ناصر بن إبراهيم السليمان، الناشر: دار الوطن - دار الثريا،

الطبعة: الأخيرة - 1413 هـ؛ ج3، ص 137

این نکته ظریفی از آقای «محمد بن عثیمین» است که به صراحت تعبیر می‌کند کلمه «مولی» به معنای «تولی امور و سرپرستی امور مسلمانان» بلکه انسانهاست.

بنابراین این بحث ضرورت دارد که ما خیلی خوب به آن دقت کنیم، زیرا افراد بسیاری هستند که انسان را فریب می‌دهند. ایشان بازهم در کتاب «القول المفید» جلد دوم ذیل آیه شریفه:

**(إِنَّمَا وَلِيكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ)**

سرپرست و رهبر شما تنها خدا است، و پیامبر او، و آنها که ایمان آورده‌اند و نماز را بر پا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌پردازند.

**سوره مائده (5): آیه 55**

اولین آیه‌ای که ان‌شاءالله در مورد ولایت امیرالمؤمنین می‌خوانیم باز هم می‌نویسد:

**«فَلِلَّهِ أَوْلِيَاءُ يَتَوَلَّوْنَ أَمْرَهُ وَيَقِيمُونَ دِينَهُ»**

مراد از ولی کسانی هستند که متولی امر الهی هستند و دین الهی را اقامه می‌دارند.

**القول المفید علی کتاب التوحید، المؤلف: محمد بن صالح بن محمد العثیمین (المتوفی: 1421 هـ)،**

**الناشر: دار ابن الجوزی، المملكة العربية السعودية، الطبعة: الثانية، محرم 1424 هـ ج 2، ص 59، باب**

**قول الله تعالى: {وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِن دُونِ اللَّهِ أَنْدَاداً يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ}**

بسیار روشن است که در آیه **(إِنَّمَا وَلِيكُمُ اللَّهُ)** برخلاف ادعای بعضی از وهابیون بی سواد که می‌گویند مراد از «مولی» به قرینه سیاق به معنای دوستی است، آقای «بن عثیمین» مفتی عربستان سعودی معتقد است غرض تولی امور مردم است. من در خدمت حضرتعالی هستم.

**مجری:**

سلامت باشید، أحسنتم، بسیار استفاده کردیم. نکته‌ای در اینجا وجود دارد که چه از جانب اهل سنت و چه از جانب بسیاری از شبکه‌های وهابیت که توسط بسیاری از عزیزان دنبال می‌شود، مطرح می‌شود.

وهابیت شبهه‌ای که نسبت به وجود نازنین حضرت صاحب الزمان و نسبت به جریانی که در صدر اسلام رخ داد مطرح می‌کنند و مدعی‌اند عده‌ای جمع شدند و فردی را متولی امور کردند. آن‌ها می‌گویند ما اصلاً نیاز نداریم بگوئیم حجت قطعاً باید از جانب خداوند در روی زمین موجود باشد.

آیا ما در منابع شیعه و اهل سنت چنین روایتی داریم که ضرورت وجود حجت را در زمین اثبات کند؟!

**ضرورت وجود حجت خدا در روی زمین، در منابع معتبر شیعه و اهل سنت!**

**آیت الله حسینی قزوینی:**

سؤال زیبایی است، خداوند به شما جزای خیر عنایت کند. ان‌شاءالله بحثی هم خواهیم داشت مبنی بر اینکه آیا خلافت انتخابی است یا اکتسابی و در آنجا مفصل بحث می‌کنیم. ما روایات متعددی در این زمینه داریم. در کتب شیعه الی ماشاء الله روایت داریم که می‌فرماید:

**«لَا تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ قَائِمٍ لِلَّهِ بِحُجَّةٍ»**

خداوند عالم هرگز کره زمین را از وجود حجت خالی نمی‌کند.

این روایت بدان معناست که هرگز کره زمین بدون حجت الهی نیست. من تنها چند نمونه از کتب شیعه می‌آورم، سپس به منابع اهل سنت و وهابیت می‌پردازم.

امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در کتاب «نهج البلاغه» خطبه 79 در رابطه با اصحاب سرّش فرمایشاتی دارد. یکی از این افراد «کمیل بن زیاد» (رضوان الله تعالی علیه) است که دعای کمیل هم منسوب به ایشان است. حضرت خطاب به ایشان می‌فرماید:



«إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ أَوْعِيَةٌ فَخَيْرُهَا أَوْعَاهَا»

حضرت در ادامه می‌فرماید:

«اللَّهُمَّ بَلَى لَا تَخْلُو الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ لِلَّهِ بِحُجَّةٍ إِلَّا ظَاهِرًا مَشْهُورًا وَإِمَّا خَائِفًا مَغْمُورًا»

خداوند شاهد است که هرگز زمین از حجت الهی خالی نمی‌ماند یا این حجت ظاهر و مشهور است و یا خائف و پنهان است.

«لِئَلَّا تَبْطُلَ حُجَجُ اللَّهِ وَبَيِّنَاتُهُ»

تا حجت‌ها و نشانه‌های الهی باطل نشود.

نهج البلاغة (للسبحي صالح)؛ نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، تاریخ وفات مؤلف: 406 ق، محقق / مصحح: فیض الإسلام، ناشر: هجرت، قم، 1414 ق؛ ص 497، وَ مِنْ كَلَامِ لَهُ عَ لِكُمَيْلِ بْنِ زِيَادِ النَّخَعِيِّ

حضرت به صراحت می‌فرماید این کار به جهت این است که فردا مردم نگویند حجت برای ما تمام نشد و علیه خدا اقامه حجت نکنند. به عنوان مثال در این صورت ممکن است مردم بگویند خدایا برای ما حجت نفرستاده بودی. اگر حجت می‌آمد، ما از حجت تبعیت می‌کردیم.

دومین روایت در کتاب «کمال الدین» اثر «مرحوم شیخ صدوق» است. ایشان در صفحه 291 این روایت را می‌آورد:

«اللَّهُمَّ بَلَى لَا تَخْلُو الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ بِحُجَّةٍ إِلَّا ظَاهِرًا مَشْهُورًا أَوْ خَائِفًا مَغْمُورًا لِئَلَّا تَبْطُلَ حُجَجُ اللَّهِ وَبَيِّنَاتُهُ»

کمال الدین و تمام النعمة، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج

1، ص 291، ح 2

اینجا هم باز همان تعبیر آمده است. آقای «ابن تیمیه حرّانی» سرکرده منافقین و خوارج و وهابیت عصر حاضر، در کتاب «مجموعه الفتاوی» جلد بیست و پنجم صفحه 131 می‌گوید:

«فَإِنَّ الْأَرْضَ لَنْ تَخْلُوَ مِنْ قَائِمٍ لِلَّهِ بِحُجَّةٍ»

هرگز زمین از حجتی که برای خدا قیام کند خالی نخواهد ماند.

«لِكَيْلَا تَبْطُلَ حُجَجُ اللَّهِ وَبَيِّنَاتُهُ»

تا حجت و بیانات الهی باطل نشود.

کتاب و رسائل و فتاوی شیخ الإسلام ابن تیمیة، اسم المؤلف: أحمد عبد الحلیم بن تیمیة الحرانی أبو العباس، دار النشر: مكتبة ابن تیمیة ، الطبعة : الثانية، تحقیق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمي النجدي، ج 25، ص 131، فضل: وَاخْتَلَفُوا فِي صَوْمِ يَوْمِ الْعِيمِ

ایشان این عبارت را با کلمه «لَنْ» آورده که دلالت بر نفی ابد می‌کند. شاگرد ایشان آقای «ابن قیم جوزیه» و ناشر افکار ایشان متوفای 751 هجری در کتاب «إعلام الموقعین» مطلبی در این زمینه آورده است.

عنوان این کتاب به این معناست: "کسانی که از طرف خدا حق امضا داشتند." ایشان از قول امیرالمؤمنین نقل می‌کند که حضرت فرمود:

«لَنْ تَخْلُوَ الْأَرْضُ مِنْ قَائِمٍ لِلَّهِ بِحُجَّةٍ لِكَيْ لَا تَبْطُلَ حُجَجُ اللَّهِ وَبَيِّنَاتُهُ»

هرگز زمین از کسی که برای خدا قیام کند و حجت الهی باشد خالی نمی‌ماند.

إعلام الموقعین عن رب العالمین، اسم المؤلف: أبو عبد الله شمس الدین محمد بن أبي بكر بن أيوب بن سعد الزرعي الدمشقي ، دار النشر : دار الجیل - بیروت - 1973 ، تحقیق : طه عبد الرؤوف سعد، ج 4، ص

آقای «محمد بن عبدالوهاب» که وهابیون منتسب به ایشان هستند، در مجموعه مؤلفاتشان مبحث اجتهاد و خلاف، همین عبارت را از امیرالمؤمنین نقل می‌کند.

«ذهبی» در کتاب «تذكرة الحفاظ» جلد اول صفحه 12 همین تعبیر را نقل می‌کند و می‌نویسد:

**«لن تخلو الأرض من قائم لله بحجة لئلا تبطل حجج الله وبيناته»**

تذكرة الحفاظ، اسم المؤلف: أبو عبد الله شمس الدين محمد الذهبي، دار النشر: دار الكتب العلمية -

بيروت، الطبعة: الأولى، ج 1، ص 12، ح 4

«ابن صلاح» یکی از بزرگان اهل سنت و یکی از استوانه‌های علمی اهل سنت همین تعبیر را می‌آورد و می‌نویسد:

**«أن الأرض لا تخلو من قائم بالحجة»**

فتاوى ابن الصلاح، اسم المؤلف: ابن الصلاح، ج 1، ص 6

«ابن حجر عسقلانی» و «بدرالدین عینی» و دیگران این مباحث را نقل کرده‌اند. در مقابل آقای «آلوسی» تعبیر ظریفی دارد، اما نیامده مصداق معین کند.

**تعبیر بسیار زیبای «آلوسی» درباره لزوم وجود حجت خدا در زمین!**

ایشان در کتاب «تفسیر روح المعانی» جلد اول در رابطه با اینکه خلیفه الله باید روی زمین باشد مطالبی آورده است.

ایشان می‌نویسد: هر پیامبری برای آبادانی زمین، سیاست امور مردم، تکمیل نفوس مردم و تنفیذ اوامر الهی خلیفه‌ای معین کرد. ایشان در ادامه می‌نویسد:

**«ولم تزل تلك الخلافة في الإنسان الكامل إلى قيام الساعة وساعة القيام»**

این خلافت الهی همواره در انسان کامل تا قیام قیامت قرین بوده است.

حال اینکه منظور از انسان کامل چیست، ایشان بیان نکرده است و در ادامه می‌نویسد:

«بل متی فارق هذا الإنسان العالم مات العالم»

اگر روزی این انسان کامل از دنیا برود عالم مرده و از بین رفته است.

«لأنه الروح الذى به قوامه»

زیرا این انسان کامل روح و عصاره عالم هستی است.

در گفتار ایشان تنها جای کلمه «المهدی» یا «حجة بن الحسن (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء)» جا مانده است. ایشان به صراحت می‌نویسد: این انسان کامل، روح عالم است و قوام عالم به اوست. او تکیه گاه معنوی برای آسمانها و دنیا است. سپس می‌نویسد:

«والدار الدنيا جارحة من جوارح جسد العالم الذى الإنسان روحه»

تمام دنیا اعم از کرات آسمانها و عالم ناسوت و برزخ و ملکوت همگی از جوارح آن انسان کاملی است که او روح این عالم ظاهری است.

ایشان در ادامه می‌نویسد:

«ولا فاعل على الحقيقة سواه وفى القيام ضيق»

عبارتها قاصر است و نمی‌توانم حق مطلب را در این زمینه ادا کنم.

«والمنكرون كثيرون»

کسانی که این حقیقت را انکار می‌کنند، بسیار زیاد هستند.

«ولا مستعان إلا بالله عز وجل»

ما جز از خداوند عالم کمک نمی‌گیریم.

روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، اسم المؤلف: العلامة أبي الفضل شهاب الدين السيد محمود الأوسى البغدادي، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، ج 1، ص 220، باب البقرة: (30) وإذ قال ربك... ..

ببیند چقدر زیباست!! ایشان می‌نویسد: من در فشار و تنگنا هستم و نمی‌توانم آنچه در دل دارم بیان کنم. بسیاری از عزیزان بارها سؤال کردند وقتی آقایان اهل سنت این همه روایات از رسول گرامی اسلام در رابطه با امیرالمؤمنین نقل کرده‌اند، چرا خودشان شیعه نشدند؟! این مطلب یکی از مصادیق پاسخ این سؤال است. ایشان می‌نویسد: انسان کاملی که قوام همه عالم هستی به اوست و او عصاره و روح عالم هستی است. همان تعبیری که ائمه اطهار و امام خمینی نسبت به حضرت ولی عصر دارند، در اینجا مطرح می‌شود. حضرت ولی عصر عصاره و قوام عالم هستی است.

«و يَمْنِهِ زَرْقُ الْوَرَى وَ بِوُجُودِهِ تَبَّتِ الْأَرْضُ وَ السَّمَاءُ»

زاد المعاد- مفتاح الجنان، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: اعلمی، علاءالدین، ص 423، باب دعاء العذيلة الكبير

ببینید همان تعبیر را آقای «آلوسی» می‌آورد، اما اگر علناً بگویید من شیعه هستم همان لحظه سر از بدنش جدا می‌کنند.

چند سال پیش مفتی اعظم فلان کشور که نمی‌دانم از دنیا رفته است یا خیر، به منزل ما آمد و گفت: با بحث‌هایی که مطرح کردید، من یقین کردم که مذهب شیعه حق است. ایشان که حدود 90 سال داشت و صاحب 75 نوه و نتیجه بود می‌گفت: همه ما شیعه شدیم!!

بنده فیلم این جلسه را هم در اختیار دارم. ایشان از من خواست که این قضیه را در شبکه اعلام نکنم، زیرا سنی‌ها گردن مرا می‌زنند و خانواده مرا آواره می‌کنند. این نمونه‌ای بود که بنده خود شاهد آن بودم.

در گذشته در سفرهایی که به عربستان سعودی داشتیم و هنوز ممنوعیتی در کار نبود، بعضی از عزیزانی که شیعه شده بودند نزد ما می‌آمدند و صراحتاً تشیع خود را اعلام می‌کردند و التماس می‌کردند مبادا جایی بیان کنید که ما شیعه شدیم!!

روزی یکی از ائمه جمعه شهر ریاض در قم به منزل ما آمد. او به زیارت امام رضا و حضرت فاطمه معصومه رفت و علناً اعلام کرد که شیعه شده است. داستان این قضیه مفصل است.

ایشان نقل می‌کرد که روزی رفته بودم از مغازه‌ای روغن بخرم. مغازه دار کتاب «صحیح بخاری» را که در مغازه داشت به من نشان داد، سؤالی در خصوص این کتاب از من پرسید و من متوجه سؤالش نشدم.

وقتی به منزل آمدم و مطالعه کردم، دیدم این روایت مطالعه و دقت بیشتری می‌خواهد. بعد از آن چند جلسه به همان مغازه که صاحبش شیعه بود رفتم و با او صحبت کردم. من بعد از آن چند جلسه، یقین پیدا کردم که مذهب شیعه حق است و شیعه شدم.

ایشان می‌گفت: اگر دولت سعودی بفهمد که من شیعه شدم، مسجد و امامت جمعه و جماعت و منزل سازمانی‌ام را از من می‌گیرد و حقوق ماهیانه‌ام قطع می‌شود. در نهایت بدبخت و بیچاره می‌شوم. این‌ها چند نمونه است که بنده خود شاهد آن بودم.

**مجری:**

این‌ها همان افرادی بودند که از همان ابتدا دین و مذهبی داشتند. عزیزان بیننده هم کاملاً در جریان هستند که از بزرگان شیعه اعم از «شیخ مفید»، «سید مرتضی» و «شیخ طوسی» چنین رفتارهایی نقل شده است. آن‌ها که از اعلام شیعه هستند و شیعه به نام آنها شناخته می‌شود بعضاً رفتارهایی از خود بروز داده‌اند که بعضی افراد می‌گویند نکند آنها دین و مذهب دیگری داشتند؟! خفقان تا اینجا بود.

### آیت الله حسینی قزوینی:

بله، آن‌ها بسیار تحت فشار بودند و نمی‌توانستند حق مطلب را ادا کنند. اگر آن بزرگان حق مطلب را ادا می‌کردند با آنها برخوردهای بسیار تند و زشت و وقیحی می‌شد.

وقتی «ابن سقاء» بالای منبر می‌رود و حدیث طیر را در فضیلت امیرالمؤمنین مطرح می‌کند، ایشان را از منبر پایین کشیده و جایش را آب می‌کشند. آن‌ها می‌گویند: منبری که فضیلت علی بن ابی طالب بر آن گفته شود، نجس است!!

حال ما چه توقع و انتظاری می‌توانیم از امثال «آلوسی» داشته باشیم. ما نمی‌خواهیم تعیین تکلیف کنیم، اما ایشان که می‌نویسد: "من در فشار و تنگنا هستم و نمی‌توانم حق مطلب را ادا کنم" قدری بودار است و برای ما پیام دارد!!

ایشان در بعضی موارد هم خیلی بی‌پرده حق مطلب را بیان کرده است. به عنوان مثال ایشان در ذیل آیه 67 سوره مائده می‌نویسد:

«كنا نقرأ على عهد رسول الله (صلى الله عليه و سلم) يا أيها الرسول بلغ ما أنزل اليك من ربك إن علينا ولي

المؤمنين وإن لم تفعل فما بلغت رسالته»

ما همگی در زمان پیغمبر اکرم این آیه را چنین می‌خواندیم: ای پیغمبر! به مردم بگو که علی ولی امر مؤمنین است و اگر ولایت علی معرفی نشود رسالت تو ناتمام است.

روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، اسم المؤلف: العلامة أبی الفضل شهاب الدین السید محمود الألوسی البغدادی، دار النشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت، ج 6، ص 193، باب المائدة: (67) یا أيها الرسول... ..

ایشان هیچ نقدی یا اشکال سندی و دلالی هم به این مطلب نمی‌کند. این مطالب نشان می‌دهد که مسائل غیر از اینهاست. من در خدمت حضرتعالی هستم.

**مجری:**

سلامت باشید، نکات زیبا و جذابی فرمودید. همانطور که در عبارت آخر «آلوسی» هم دیدیم، ایشان گفت: اکثریت هستند که اینها را درک نمی‌کنند. چقدر این جماعت نمک شناس می‌شوند. جماعتی که جزئی از این دنیا هستند و قوامشان به دست وجود حجت الله است!!

حال می‌خواهیم ببینیم این امنیت و قوامی که توسط حجت الهی به وجود آمده است، چه نوع امنیتی است؟! ظاهراً در کتب شیعه هم داریم که امنیت و قوام موجود در کل عالم به دست حجت الله است. الحمدلله ما و بینندگان عزیز مصداق آن را هم دیدیم.

آیا چنین تعبیری در کتب اهل سنت داریم که امنیت عالم به خاطر وجود این حجت‌های الهی است؟!!

**امنیت عالم به خاطر وجود حجت‌های الهی؛ به تصریح منابع معتبر شیعه و سنی!**

**آیت الله حسینی قزوینی:**



ابتدا چند روایت از کتب شیعه نقل کنم تا وهابی‌ها نگویند که اگر کتاب‌های ما نبود شما عقایدتان را از کجا اثبات می‌کردید.

«مرحوم کلینی» در کتاب «کافی» جلد اول صفحه 534 چند روایت نقل می‌کند. یکی از این روایات چنین است:

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صِ إِيَّيْ وَ اثْنِي عَشَرَ مِنْ وُلْدِي وَ أَنْتَ يَا عَلِيٌّ زُرُّ الْأَرْضَ يَعْنِي أَوْتَادَهَا وَ جِبَالَهَا»

رسول الله فرمود: من و دوازده نفر از فرزندانم و تو یا علی میخ‌ها و مسمارها یعنی جبل و کوه‌های زمین هستیم.

«بِنَا أَوْتَدَ اللَّهُ الْأَرْضَ أَنْ تَسِيحَ بِأَهْلِهَا»

قوام این عالم توسط من و فرزندانم هست.

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج 1، ص 534، ح 17

حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) هم جزو این بزرگواران است. بعضی از وهابی‌های زبان نفهم می‌گویند: این مطلب دلیل بر این است که ائمه اطهار سیزده نفر هستند.

یکی از یمانی‌های دجال روایتی آورده بود که می‌گفت: پیغمبر اکرم فرموده شما سیزده امامی هستید!! من به این دسته افراد می‌گویم که خداوند به شما عقل بدهد و چیز دیگری نمی‌توانم بگویم. رسول اکرم می‌فرماید:

«إِيَّيْ وَ اثْنِي عَشَرَ مِنْ وُلْدِي وَ أَنْتَ يَا عَلِيٌّ زُرُّ الْأَرْضَ يَعْنِي أَوْتَادَهَا وَ جِبَالَهَا»

من و دوازده نفر از فرزندانم و تو یا علی میخ‌ها و مسمارها یعنی جبل و کوه‌های زمین هستیم.

امیرالمؤمنین با یازده نفر می‌شود دوازده نفر و با حضرت فاطمه زهرا سیزده نفر می‌شوند. مراد از "دوازده نفر از فرزندانم" یعنی یازده امام و حضرت فاطمه زهرا که باهم دوازده نفر می‌شوند. همچنین با امیرالمؤمنین سیزده نفر می‌شوند.

تعبیر فرمایش رسول گرامی اسلام این است که قوام عالم هستی به ما چهارده معصوم است که همانند مسمارها و میخ‌هایی بر روی کره زمین هستیم.

علم روز ثابت کرده است که کره زمین توسط کوه‌ها استوار مانده است. همانطور که درب‌های چوبی توسط میخ و مسمار به هم کوبیده می‌شوند تا از همدیگر متلاشی نشوند، اگر کوه‌ها نباشد کره زمین در یک لحظه متلاشی می‌شود.

اکثریت کره زمین آب است، به طوری که تنها یک چهارم زمین از خاک و سه چهارم آب است. اگر کوه‌ها نباشد کره زمین به هم می‌ریزد. رسول گرامی اسلام هم وجود اهل بیت در عالم هستی را به وجود کوه‌ها بر روی کره زمین تعبیر می‌فرماید.

بازهم در کتاب «کافی» جلد اول صفحه 179 تعبیری آمده است که از امام صادق (علیه السلام) سؤال می‌کنند:

**«أَتَبْقَى الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ»**

اگر امامی در کره زمین نباشد، آیا زمین باقی می‌ماند؟

**«قَالَ لَوْ بَقِيَتْ الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ لَسَاخَتْ»**

حضرت می‌فرماید: اگر امامی از کره زمین برداشته شود زمین متلاشی می‌شود.

کافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج 1،

ص 179، ح 10

در روایت بعد آمده است:

«لَا تَبْقَى بَعْدَ إِمَامٍ»

حضرت در ادامه می‌فرماید:

«لَا تَبْقَى إِذَا لَسَاخَتْ»

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج 1،

ص 179، ح 11

حضرت در روایت بعد می‌فرماید:

«لَوْ أَنَّ الْإِمَامَ رُفِعَ مِنَ الْأَرْضِ سَاعَةً لَمَاجَثَ بِأَهْلِهَا»

اگر یک ساعت امام از کره زمین برداشته شود، کره زمین به هم می‌ریزد و از هم پاشیده می‌شود.

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج 1،

ص 179، ح 12

این درست همان تعبیری است که آقای «آلوسی» داشت. اگر انسان کاملی که قوام زمین و عالم هستی به اوست یک لحظه از کره زمین برداشته شود، عالم به طور کل نابود می‌شود.

ما در کتب اهل سنت موارد زیادی در این زمینه داریم. «حاکم نیشابوری» در کتاب «مستدرک علی الصحیحین» جلد دو صفحه 486 می‌نویسد:

«وَأَهْلُ بَيْتِي أَمَانٌ لِأُمَّتِي»

اهلبیت من مایه امنیت امت من هستند.

«فإذا ذهب أهل بيتي أتاهم ما يوعدون»

اگر اهل بیت من از کره زمین برداشته شود، وعده‌های الهی هم تحقق پیدا می‌کند.

«صحيح الإسناد ولم يخرجاه»

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - 1411 هـ - 1990 م، الطبعة: الأولى، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، ج 2، ص 486، ح 3676

مراد از «أتاهم ما يوعدون» فرمایش قرآن کریم است که می‌فرماید:

(إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ)

در آن هنگام که خورشید درهم پیچیده شود.

(وَإِذَا النُّجُومُ انْكَرَتْ)

و در آن هنگام که ستارگان بی‌فروغ شوند.

(وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ)

و در آن هنگام که کوه‌ها بحرکت در آیند.

سوره تکویر (81): آیات 1 تا 3

است. آقای «طبرانی» در کتاب «المعجم الكبير» جلد هفتم صفحه 22 همین تعبیر را دارد و می‌نویسد:

«عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ النُّجُومُ جُعِلَتْ أَمَانًا لِأَهْلِ السَّمَاءِ وَإِنَّ أَهْلَ بَيْتِي أَمَانٌ لِأُمَّتِي»

پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید: همانطور که ستارگان مایه امنیت اهل آسمان هستند، اهلبیت من امنیت اهل زمین هستند.

المعجم الكبير، اسم المؤلف: سليمان بن أحمد بن أيوب أبو القاسم الطبراني، دار النشر: مكتبة الزهراء - الموصل - 1404 - 1983، الطبعة: الثانية، تحقيق: حمدي بن عبدالمجيد السلفي، ج 7، ص 22، ح 6260

آقای «ابن حجر عسقلانی» در کتاب «المطالب العالیه» جلد شانزده صفحه 215 همین تعبیر را دارد و می‌نویسد:

«النجوم أمان لأهل السماء، وأهل بيتي رضى الله عنهم أمان لأمتي»

المطالب العالیة بزوائد المسانید الثمانية، اسم المؤلف: أحمد بن علی بن حجر العسقلانی، دار النشر: دار العاصمة/ دار الغیث - السعودية - 1419 هـ الطبعة: الأولى، تحقيق: د. سعد بن ناصر بن عبد العزيز الشتری، ج 16، ص 215، ح 3972

«احمد بن حنبل» در کتاب «فضائل الصحابه» می‌گوید:

«وأهل بيتي أمان لأهل الأرض فإذا ذهب أهل بيتي ذهب أهل الأرض»

فضائل الصحابة، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبد الله الشيباني، دار النشر: مؤسسة الرسالة - بيروت - 1403 - 1983، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. وصی الله محمد عباس، ج 2، ص 671، ح 1145

آقای «جوینی» استاد «ذهبی» که از او به استاد کامل و اوحد تعبیر می‌کنند، در کتاب «فرائد السمطين» از قول امام صادق (علیه السلام) نقل می‌کند:

«نحن أئمة المسلمين و حجج الله على العالمين»

سپس می‌نویسد:

«و نحن أمان أهل الأرض»

ما مایه امنیت اهل زمین هستیم.

«و نحن الذین بنا یمسک الله السماء أن تقع علی الأرض إلا بذنه»

ما جزء کسانی هستیم که اگر کرات و آسمانهای بالا به هم نمی‌ریزد، به برکت وجود ماست.

این همان تعبیری است که در زیارت جامعه کبیره هم می‌خوانیم.

«و بِكُمْ یَمْسِكُ السَّمَاءُ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ»

من لا یحضره الفقیه، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج 2، ص

615، ح 3213

«جوینی» در ادامه می‌نویسد:

«و بنا یمسک الأرض أن تمید بأهلها»

به سبب ماست که زمین ساکنینش را نمی‌بلعد.

«و بنا ینزل الغیث و ینشر الرحمة و ینخرج برکات الأرض»

به سبب ماست که باران نازل شده و رحمت الهی منتشر می‌شود و زمین برکاتش را خارج می‌کند.

«و لولا ما فی الارض منا لساخت بأهلها»

اگر یک نفر از ما در زمین نباشد، زمین ساکنانش را می‌بلعد.

فرائد السمطين في فضائل المرتضى و البتول و السبطين و الأئمة من ذريتهم عليهم السلام؛ حموي جويني، ابراهيم بن سعد الدين (م 730)، مؤسسة المحمود، بيروت، چاپ اول، 1400 هـ. ق؛ ج 1، ص

45

همچنین در کتاب «کنز العمال» اثر «متقی هندی» جلد دوازدهم روایت بسیار جالبی آورده شده است که چنین است:

### «لن يزال هذا الدين قائما إلى اثني عشر من قریش»

دین اسلام استوار باقی نمی‌ماند، مگر با دوازده نفر که از قریش هستند.

این همان حدیث خلفائی اثنی عشر است که پیغمبر اکرم فرمود: خلفای من دوازده نفر هستند و تا قیام قیامت باقی می‌مانند.

آقای «ابن حجر» و دیگران تلاش می‌کنند این دوازده نفر را درست کنند، اما نمی‌توانند. ایشان در نهایت می‌گویند ما نفهمیدیم پیغمبر اکرم چه فرموده است.

طبق این روایت دین اسلام قائم به دوازده نفر از قریش است. البته در روایت دیگر آمده است که این دوازده نفر از بنی‌هاشم هستند. ایشان در ادامه می‌نویسد:

### «فإذا هلکوا ماجت الأرض بأهلها»

اگر این دوازده نفر خلفای پیغمبر از دنیا بروند، زمین موج می‌زند و از هم پاشیده می‌شود.

کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال، اسم المؤلف: علاء الدین علی المتقی بن حسام الدین الهندی، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت - 1419 هـ-1998 م، الطبعة: الأولى، تحقیق: محمود عمر الدمیاطی،

ج 12، ص 17، ح 33861

این روایات نمونه‌هایی هست که در کتب اهل سنت بیان شده است. جالب این است آقای «سمهودی» که یکی از استوانه‌های علمی اهل سنت است و افرادی نظیر «عمادالدین حنبلی» بسیار ایشان را تعریف و تمجید می‌کند هم روایتی در این زمینه آورده است.

ایشان که متوفای 911 هجری است، در کتاب «جواهر العقدين فی فضل الشرفین» جلد دوم وقتی حدیث ثقلین را مطرح می‌کند، سه تحلیل دارد. تحلیل سوم ایشان این است که می‌نویسد:

«ان ذلک يفهم وجود من يكون أهلا للتمسك به من أهل البيت و العترة الطاهرة فی کل زمان وجدوا فيه الی قیام الساعة»

ما از روایت ثقلین می‌فهمیم وقتی پیغمبر می‌فرماید: من دو چیز گرانبها در میان شما می‌گذارم که این دو تا قیام قیامت از هم جدا نمی‌شوند، معلوم می‌شود در هر زمانی یک نفر از اهلیت حضور دارند.

همانطور که قرآن است، اهلیت هم باید در کنارش باشد. ایشان در ادامه می‌نویسد:

«كما أن الكتاب العزيز كذلك»

همانطور که قرآن هم این چنین است.

«و لهذا كانوا كما سیأتی أمانا لأهل الأرض»

همواره یکی از اهلیت در کره زمین حضور دارند که مایه امنیت کره زمین هستند.

«فاذا ذهبوا ذهب أهل الأرض»

هروقت این یک نفر از اهلیت از دنیا برود، کل زمین پاشیده خواهد شد.



جواهر العقدين فى فضل الشرفين؛ سمهودى، على بن عبدالله؛ محقق: علىلى، موسى بنای، ناشر: مطبعة

العانى، بغداد، عراق، 1405ق؛ ج 2، ص 94

جاىگاه حقيقى امام معصوم را اينگونه بايد شناخت!

آقاى «مناوى» يکى از علمای اهل سنت هم در کتاب «فيض القدير» شرح جامع صغير اثر «سيوطى» تعبير ديگرى دارد. ايشان ذيل حديث «وأهل بيتى أمان لأمتى» مى نويسد:

«لما خلق الدنيا لأجل المصطفى»

وقتى عالم هستى به برکت رسول اکرم آفريده شده است.

«جعل دوامها بدولته ثم بدوام أهل بيته ع»

دوام و استمرار و گردش عالم هستى به دولت نبى مکرم و اهلبيت او است.

فيض القدير شرح الجامع الصغير، اسم المؤلف: عبد الرؤوف المناوى، دار النشر: المكتبة التجارية الكبرى -

مصر - 1356 هـ الطبعة: الأولى، ج 6، ص 297، فصل فى المحلى بأل من هذا الحرف

همانطور که در روايت آمده است:

«لو لاک لما خلقت الأفلاك»

اگر تو نبودى من افلاک را نمى آفريدم.

عوالم العلوم و المعارف والأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال (مستدرک سيده النساء إلى الإمام الجواد،

نويسنده: بحرانی اصفهانی، عبد الله بن نور الله، محقق / مصحح: موحد ابطحى اصفهانی، محمد باقر،

ج 11، ص 44، باب أنه لما ذا لو لا فاطمة لما خلق النبي صلى الله عليه وآله وسلم و على عليه السلام؟

همچنانکه در روایت آمده است:

«خَلَقَ اللَّهُ الْمَشِيَّةَ بِنَفْسِهَا ثُمَّ خَلَقَ الْأَشْيَاءَ بِالْمَشِيَّةِ»

خداوند عالم تمام آفرینش را با مشیت آفرید، اما مشیت را به نفسه آفرید.

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج 1،

ص 110، ح 4

در روایت دیگری آمده است که فرمود:

«نحن مشية الله»

مستدرک سفینه البحار، نویسنده: الشیخ علی النمازی الشاهرودی، ج 6، ص 99، باب القضاء والقدر

والمشية

به تعبیر عرفا، خداوند عالم از ازل یک توجهی به ذات خودش کرد که ائمه اطهار (علیهم السلام) و انوار پاک چهارده معصوم آفریده شدند. خداوند متعال نگاهی به اسماء خودش کرد و دیگر عوالم به برکت انوار اهل بیت (علیهم السلام) آفریده شدند.

به تعبیر حضرت امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) اسم اعظم الهی تابع وجود مقدس اهل بیت (علیهم السلام) است. این مسائل برای خود دنیایی دارد.

یکی از وظایف ما در ایام قدر این است که واقعاً قدرشناس باشیم و قدری امام شناسی و معرفت خودمان نسبت به امام را بالا ببریم.

من کاری به اهل سنت و وهابیت ندارم، اما شناختی که ما از ائمه اطهار (علیهم السلام) داریم شاید یک هزارم شناختی است که ما می‌توانیم داشته باشیم.

به قول امام رضا (علیه السلام) ائمه اطهار در آسمانها هستند و دست بشر از رسیدن به آن مقامها عاجز است. همانطور که در زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم:

«مَوَالِي لَا أُخْصِي ثَنَاءَ كَمْ»

من نمی‌توانم ثناء شما را بیان کنم.

من لا يحضره الفقيه، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج 2، ص

615، ح 3213

بنده به قسمت‌هایی که قابل بیان نیست و عقل ما به آنجا نمی‌رسد کار ندارم، اما یکسری کارهایی است که ما می‌توانیم نسبت به آن معرفت پیدا کنیم. بنده خیلی بی‌پرده بگویم ما شیعیان شاید یک هزارم آنچه برای ما از امام شناسی مقدور است، قدم برداشتیم.

دوستانی که قدری فلسفه خواندند و از مصطلحات عرفانی هم سر در می‌آورند، کتاب «مصباح الهدایة» اثر امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) را مطالعه کنند تا ببینند چه خبر است.

من بارها گفتم که نود و پنج درصد از عمرم را در رابطه با بحث ولایت اهل بیت گذرانده‌ام. اگر یک ثانیه از آن مورد قبول امیرالمؤمنین و مقبول مولایمان حضرت بقية الله الاعظم قرار بگیرد، برای خودم و اجدادم تا حضرت آدم و نسلم تا قیامت کافی است و کلاهم را به آسمان می‌اندازم.

بنده در تمام عمرم کتابی در رابطه با مقام ائمه اطهار (علیهم السلام) مانند کتاب «مصباح الهدایة» اثر امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) ندیدم. بنده معتقدم اگر کسی بخواند این کتاب را بخواند اولاً باید وضو بگیرد، دو رکعت نماز بخواند و از خداوند عالم فهم و نور تقاضا کند.

همانطوری که در زیارت آل یاسین می‌خوانیم: خدایا بر سینه من نور عنایت کن و فهم مرا بالا ببر. ما باید ببینیم این بزرگواران چه جایگاهی دارند.

ما از وجود مقدس حضرت ولی عصر (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) فقط وجودی را می‌شناسیم که در بیابان‌ها و صحراها سرگردان است و منتظر روزی است که خداوند عالم اذن ظهور بدهد!!

ما معمولاً وقتی گرفتار می‌شویم یا اگر سال و ماهی خداوند توفیق داد تا دعای ندبه بخوانیم یاد حضرت می‌افتیم. شاعر می‌گوید:

«لَيْتَ شِعْرِي أَيْنَ اسْتَقَرَّتْ بِكَ النَّوَى

بَلْ أَى أَرْضٍ تُثْقَلُ أَوْ تَرَى

أَ بِرِضْوَى أُمِّ غَيْرِهَا أَمْ ذِي طَوَى

عَزِيزٌ عَلَى أَنْ أَرَى الْخَلْقَ وَ لَا تُرَى»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج 99،

ص 108، ح 2

ما امثال این ابیات را با حضرت نجوا می‌کنیم، غافل از اینکه حضرت ولی عصر (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) با ما و در کنار ماست. ما بارها و بارها حضرت را دیدیم ولی نشناختیم.

در روایت داریم وقتی حضرت ولی عصر ظهور می‌کند، همه می‌گویند ما این آقا را بارها دیده بودیم. یک نفر می‌گوید که او را در فلان مسجد دیده بودم، یک نفر می‌گوید که او را در جمکران دیدم، یک نفر می‌گوید که او را در حرم دیدم، افراد دیگر می‌گویند ما حضرت را در بازار یا فلان خیابان دیده بودیم.

آن نازنین وجود در کنار ماست، اما ما حضرت را نمی‌شناسیم. حضرت ولی عصر با ما هست، اما ما از او غایب هستیم نه اینکه او از ما غایب باشد. اگر ما تنها یک قدم برداریم و چهل روز گناه نکنیم حضرت به سمت ما قدم خواهند برداشت. قرآن کریم می‌فرماید:

**(وَ أَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَ نَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ فَبِإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ)**

و آن کس که از مقام پروردگارش خائف بوده و نفس را از هوی باز داشته بهشت جایگاه او است.

**سوره نازعات (79): آیات 40 و 41**

چند روز پیش بنده در حرم صحبتی داشتم و در رابطه با بعضی از تشرفات سخن گفتم. آقایی بعد از آن چندین بار زنگ زده بود و می‌خواست حضوری با من صحبت کند. بنده گفتم: با وجود وضعیت کرونا از ملاقات حضوری معذوریم.

ایشان گفت: من سه اربعین گرفتم و روزی چهار پنج ساعت ختم برداشتم. یک روز در جمکران دیدم آقایی در محراب مسجد نماز می‌خواند. نور این آقا وجود مرا گرفت و نتوانستم هیچ تکانی بخورم.

دوستان عزیز برای رسیدن به محضر حضرت ولی عصر فقط و فقط یک چیز لازم است و آن هم این است که گناه نکنیم. چشم ما، زبان ما، گوش ما، دست ما و پای ما گناه نکند و قلب ما آلوده به حسد و بخل و کینه نباشد.

اگر چهل روز تمرین کنیم تا گناه از ما سر نزند، اگر دستتان به دامن حضرت مهدی نرسید هرچه خواستید من را لعنت کنید. حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) فرمودند:

**«فَمَا يَحْبِسُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُ»**

آنچه شیعیان را از تشریف به محضر ما محروم کرده است، گناهان و اعمالی است که از آنها به ما می‌رسد و ما کراهت داریم.

کتاب المزار- مناسک المزار، نویسنده: مفید، محمد بن محمد، محقق / مصحح: ابطحی، محمد باقر، ص

## 11، باب نسخة التوقيع باليد العليا على صاحبها السلام

این عبارت حضرت بسیار سلیس و روشن است که حضرت در توقیعی که خطاب به «مرحوم شیخ مفید (رضوان الله تعالی علیه)» می‌نویسد. به تعبیر امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) یک قدم بر روی نفس و قدم دیگر در کوی جانان.

ما به قدری آلوده به گناه و معصیت هستیم به طوری که تصورش هم برایمان سخت است که چهل روز از عمرمان بگذرد و گناهی از ما سر نزنند، اما اگر تمرین کنیم موفق می‌شویم.

همانطور که یک خطاط وقتی می‌خواهد خطاطی یاد بگیرد، عمری باید مشق بنویسد و بنویسد و بنویسد تا خطاط شود. از میان آنها هم یکی «طاهر خوشنویس» می‌شود.

بنابراین اگر تمرین کنیم و گناه و معصیت را کنار بگذاریم، بنده قول شرف می‌دهم که پرده‌ها و غیبت‌هایی که برای رسیدن به محضر حضرت بقية الله الاعظم (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) داریم، کنار می‌رود.

صحت‌های زیادی است، اما به دلیل اینکه در شبکه هستیم نمی‌توانم بیان کنم. مسائلی در سینه دارم که اگر آنها را بیان کنم شاید برای بسیاری از افراد قابل هضم نباشد.

بنده همین قدر تکرار می‌کنم کسی که عاشق وصال است، بهترین راه انجام ندادن گناه و عدم ارتکاب معاصی و اتیان واجب است. حال ما مستحبات و مکروهات را پیشکش قرار می‌دهیم. لذا در کلام آقای «مناوی» آمده است:

«لأنه سبحانه وتعالى لما خلق الدنيا لأجل المصطفى»

خداوند عالم هستی را به خاطر رسول گرامی اسلام آفرید.

«جعل دوامها بدولته ثم بدوام أهل بيته ع»

دوام و استمرار و گردش عالم هستی به دولت نبی مکرم اسلام و اهلبیت است.

فیض القدیر شرح الجامع الصغیر، اسم المؤلف: عبد الرؤوف المناوی، دار النشر: المكتبة التجارية الكبرى -

مصر - 1356 هـ الطبعة: الأولى، ج 6، ص 297، فصل فی المحلی بأل من هذا الحرف

این بدان معناست که استمرار و گردش عالم به صدقه سر رسول اکرم و صدقه سر اهلبیت رسول اکرم است. ببینید که چقدر زیباست! بنده گمان نمی‌کنم که از این بهتر نمی‌شود تعبیری به کار برد. البته در این زمینه صحبت زیاد است. من در خدمت شما هستم.

**مجری:**

سلامت باشید، بسیار از محضرتان استفاده کردیم. الحمدلله همه بینندگان که پای درس حاج آقا می‌نشینند، می‌دانند در ابتدا بحثی را شروع می‌کنیم. به عنوان مثال هدف و موضوع امروز برنامه این بود که به وجود نازنین حضرت امیرالمؤمنین بپردازیم.

گاهی اوقات می‌خواستیم راجع به حکومت علوی صحبت کنیم، اما بحث به حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) کشیده می‌شد که انسان باید حکومت علوی را آنجا ببیند.

ملاحظه می‌کنید امروز از کجا شروع کردیم و چقدر فضای برنامه جو امام زمانی شد. در همین چند روز باقیمانده قرار است نامه اعمال سالانه ما را به محضر مولایمان بدهند؛ محضر آقایی که:

«و بِيَمِينِهِ رِزْقُ الْوَرَى وَ بِوُجُوْدِهِ تُبَيَّنُّ الْأَرْضُ وَ السَّمَاءُ»

ان شاء الله حال که نام شیعه را یدک می‌کشیم، حداقل از امام عصرمان خجالت زده نباشیم. ان شاء الله بحث را ادامه می‌دهیم و در محضر استاد تملذ می‌کنیم. یک میان برنامه می‌بینیم و بعد از فاصله کوتاهی برمی‌گردیم در خدمتتان خواهیم بود.

ان شاء الله که بتوانیم شیعیان خوب و مخلصی برای حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) باشیم. ان شاء الله در این شبها معرفتمان را نسبت به زوات مقدسه و وجودهای نورانی بیشتر کنیم و حداقل بتوانیم نام خودمان را همچنان شیعه بگذاریم.

الحمد لله تا این بخش از برنامه از سخنان حضرت استاد بهره‌مند شدیم و کاملاً جوی بود که انسان می‌تواند بر پایه آن معارف و اعتقاداتش را بنا نهد.

اگر انسان حاضر بشود با این معرفت پای مجالس احیا بنشیند، به نظرم خیلی بیشتر قابل استفاده خواهد بود وقتی که انسان بداند زیر مکتب چه کسی سینه می‌زند.

### ذکر مصیبت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

با توجه به این ایام و لیالی که هست، صحبت‌ها و کلام و صدای آقای سلطانی مداح اهلبت را بشنویم. سلام عرض می‌کنم، در خدمتتان هستیم:

سلام علیکم برادر عزیز و بزرگووارم آقای مرعشی عزیز. سلام خدمت افتخار همه ایرانیان و شیعیان حضرت آیت الله حسینی قزوینی. شبهای عزیز قدر را تسلیت و تعزیت عرض می‌کنم. ان شاء الله خداوند همه مریضان را شفا عنایت بفرماید.

سلام بر حرم پاک و باصفای علی

به قبر و گنبد و ایوان دلگشای علی



من از دیار نجف بوی یار می‌شنوم

رسد به گوش دلم بانگ ربنای علی

او که از غصه ایتم دو چشم تر داشت

آخرین کیسه نان و رطبش را برداشت

و به هر خانه که جا داشت یتیمی در زد

به مسلمان و مسیحی و یهودی سر زد

لب ایتم پر از ذکر پدرجان شده بود

باز هم مرکب بازی یتیمان شده بود

سخنش بوی خداحافظی آخر داشت

شوق دیدار رخ فاطمه را در سر داشت

با دل غمزده لبخند به دنیا زد و رفت

حیف شد مثل نسیم سحری آمد و رفت

بگذر از چشم تر و بغض گلوگیر علی

بگذر از نان و نمک و شیر علی

گرچه ارکان خدا گشته دگرگون امشب

بگذر از غصه محراب پر از خون امشب

مستحضرید آقا الان در بستر بیماری است. بچه‌ها دور بابا را گرفته‌اند و اشک می‌ریزند و می‌گویند: بابا جان، یا علی! جای مادرم زهرا خالی است.

بگذر از تیزی تیغ و غم شق القمرش

بگذر از روضه آلوده به زهر و اثرش

گرچه یک عمر علی داغ به دل داشت ولی

بگذر از داغ کتک خوردن ناموس علی

روضه فاطمه خود عالم دیگر دارد

مجلس ما به دل امشب غم دیگر دارد

او یکی بود و برایش بدلی نیست که نیست

ای یتیمان پدری مثل علی نیست که نیست

نفس نفیس مصطفی یا علی

کعبه گرفت از تو صفا یا علی

یا علی و یا علی و یا علی

تو در زمین و آسمان رهبری

عقده گشای دل پیغمبری

تو شهر علم نبوی را دری

پشت نبی روی خدا یاعلی

یاعلی و یاعلی و یاعلی

التماس دعا

### آیت الله حسینی قزوینی:

احسنت، جزاکم الله خیرا.

مجری:

احسنتم، طیب الله انفاسکم. خیلی ممنون، لطف کردید جناب آقای سلطانی. الحمدلله مثل همیشه با نوای گرم و صدای دلنشینتان مجلس و محفل را نورانی کردید. تشکر می‌کنم از محضرتان.

تا تماس بعدی وصل شود، سؤالی از حضرت استاد بپرسیم و اگر امکانش هست مختصراً پاسخ بفرمایید.

الحمدلله راجع به این مسئله صحبت می‌کردیم که قوام جهان هستی و قوام انسان‌ها و تک تک موجودات کره زمین به وجود و پایه و اساس وجود حجت الهی است. ما از این برنامه به «واسطه فیض بودن» تعبیر می‌کنیم و اگر به ما وجود داده شده به واسطه حجت‌های الهی است.

آیا این تعبیر، تعبیری است که تنها بزرگان شیعه به کار می‌برند یا در کتب اهل سنت هم چنین اشاراتی داریم؟!

### آیت الله حسینی قزوینی:

این قضیه به فرصت زیادی برای توضیح نیاز دارد، اما بنده عبارتی را از آقای «ابن تیمیه» نقل می‌کنم.

ایشان می‌گوید: افراد زیادی در کره زمین هستند که از آنها به «ابدال» تعبیر می‌شوند. «ابدال» یعنی جایگزینان

انبیاء. به برکت آنها بارن می‌بارد، به برکت آنها نصرت حاصل می‌شود و آنها واسطه فیض هستند.

بنده به سراغ کتابهای دیگر نمی‌روم. در کتاب «مجموعه الفتاوی» اثر «ابن تیمیه» جلد بیست و سوم آمده است که ایشان می‌نویسد:

«وَهَلْ تُنْصَرُونَ وَتُرْزَقُونَ إِلَّا بِضِعْفَائِكُمْ؟»

آیا نصرت و روزی شما نیست مگر توسط ضعفا؟

ایشان در رابطه با صفت «ابدال» هم می‌گوید:

«بِهِمْ تُرْزَقُونَ وَبِهِمْ تُنْصَرُونَ»

اگر به شما روزی و نصرت می‌رسد به واسطه ابدال است.

کتاب و رسائل و فتاوی شیخ الإسلام ابن تیمیة، اسم المؤلف: أحمد عبد الحليم بن تیمیة الحراني أبو العباس، دار النشر: مكتبة ابن تیمیة، الطبعة: الثانية، تحقيق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمي النجدي، ج 23، ص 102، فضل: وَأَمَّا الْقُنُوتُ: فَالِنَّاسُ فِيهِ طَرَفَانِ وَوَسْطُ

مجری:

حاج آقا شما فرمودید و مسلم می‌دانم بیست دقیقه‌ای که فرمودید برای این بحث مورد نیاز است، مسلم است و تماماً این بحث قابل استفاده است. اگر این قول را از حضرتعالی بگیریم که در جلسه آینده به این بحث مفصلاً بپردازیم، بسیار بهتر هم خواهد بود.

قطعاً بینندگان عزیز اهل شب زنده داری و سحر در ایام و لیالی قدر هستند. در این چند دقیقه پایانی برنامه بنظرم می‌رسد بهتر باشد وقت باقیمانده را به همین قضیه اختصاص بدهیم.

اینگونه خود را برای شب های قدر آماده کنیم!

## آیت الله حسینی قزوینی:

بنده می‌خواهم این بحث را به شب‌های قدر متصل کنم. تعبیر «ابن تیمیه» این است که می‌نویسد:

«هُم تَجْرِي أَرْزَاقُ الْعِبَادِ عَلَى أَيْدِيهِمْ»

تعدادی از افراد هستند که روزی‌ها به دست آنها به جریان می‌افتد.

کتاب و رسائل و فتاوی شیخ الإسلام ابن تیمیه، اسم المؤلف: أحمد عبد الحليم بن تيمية الحراني أبو العباس، دار النشر: مكتبة ابن تيمية، الطبعة: الثانية، تحقيق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمي النجدي، ج 4، ص 379، فُضِّلَ فِي الْمَسْأَلَةِ الْمَشْهُورَةِ بَيْنَ النَّاسِ فِي " التَّفْضِيلِ بَيْنَ الْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ "

افراد بشر صالح هم همینطور هستند. بزرگانی مانند «هیثمی»، «عظیم آبادی»، «البانی» و «فخر رازی» می‌گویند: تعدادی از بندگان هستند که واسطه فیض میان خالق و مخلوق هستند. حال بعضی افراد تعداد آنها را چهل نفر یا کمتر و بیشتر نام برده‌اند.

ما در روایات خودمان در «زیارت کبیره»، «زیارت امام حسین» و صدها حدیث داریم که واسطه فیض اهل بیت (علیهم السلام) هستند. هر فیضی از طرف خداوند عالم به ما می‌رسد، با وساطت اهل بیت است.

خداوند عالم به صورت مستقیم به ما روزی نمی‌دهد، مستقیم امر نمی‌کند که باران ببارد یا مستقیم امر نمی‌کند که زمین نعمتهایش را بر ما بیاورد. همانطور که در رابطه با مرگ و میر قرآن کریم در یک جا می‌فرماید:

(اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا)

خداوند ارواح را به هنگام " مرگ " قبض می‌کند.

سوره زمر (39): آیه 42

از طرف دیگر هم می‌فرماید:

**(قُلْ يَتَوَفَّاكُمْ مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ)**

بگو: فرشته مرگ که بر شما مأمور شده (روح) شما را می‌گیرد.

سوره سجده (32): آیه 11

یعنی:

**«أَبَى اللَّهُ أَنْ يَجْرِيَ الْأُمُورَ إِلَّا بِأَسْبَابِهَا»**

منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة، نویسنده: هاشمی خویی، میرزا حبیب الله، مترجم: حسن زاده آملی،

حسن و کمرهای، محمد باقر، ج 17، ص 272، الحدیث الاول

یعنی دنیا، دنیای سبب و مسبب است. اهلیت (علیهم السلام) واسطه فیض هستند. در این ایام قدر؛

**(تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَ الرُّوحُ فِيهَا يَأْذِنُ رَبُّهُمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ)**

فرشتگان و "روح" در آن شب به اذن پروردگارشان برای (تقدیر) هر کار نازل می‌شوند.

سوره قدر (97): آیه 4

این نزول ملائکه به کجاست؟! ما از اهل سنت سؤال می‌کنیم (تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَ الرُّوحُ فِيهَا يَأْذِنُ رَبُّهُمْ) به کجا نازل

می‌شوند؟! آیا تنها کره زمین را زیارت می‌کنند و می‌روند یا مقصدی هست و بزرگواری هست که به محضر او

شرفیاب می‌شوند؟!!

عزیزان دقت کنند که شب نوزدهم شب تقسیم بندی عمرها و روزیها و خوشیها و خدای ناکرده ناخوشیهاست. این مسائل شب بیست و یکم قطعیت پیدا می کند و شب بیست و سوم به امضای حضرت ولی عصر (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) می رسد.

دقت داشته باشیم که بهترین چیز برای ما در شبهای احیا استغفار از گناهان و معاصی است، حتی استغفار از نمازهایمان.

«إِلَهِي مَنْ كَانَتْ مَحَاسِنُهُ مَسَاوِي فَكَيْفَ لَا تَكُونُ مَسَاوِيَهُ مَسَاوِي»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج 95، ص 225، ح 3

به تعبیر امام خمینی ما باید بعد از هر نمازمان استغفار کنیم، زیرا آنطور که شایسته محضر ربوبی است نمی توانیم ادا کنیم. به تعبیر امام سجاد (علیه السلام):

«وَأَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ لَذَّةٍ بَغَيْرِ ذِكْرِكَ، وَ مِنْ كُلِّ رَاحَةٍ بَغَيْرِ أُنْسِكَ، وَ مِنْ كُلِّ سُورٍ بَغَيْرِ قُرْبِكَ، وَ مِنْ كُلِّ شُغْلٍ بَغَيْرِ طَاعَتِكَ»

زاد المعاد- مفتاح الجنان، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: اعلمی، علاءالدین، ص 416، باب المناجاة الثالثة عشرة: مناجاة الذاكرين

امام سجاد می فرمایند: خدایا از هر خوشحالی به غیر از قرب تو و از هر رضایتی غیر از قرب تو استغفار می کنیم. همانطور که قرآن کریم می فرماید:

(إِنَّ صَلَاتِي وَ نُسُكِي وَ مَحْيَايَ وَ مَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ)

نماز و تمام عبادات من و زندگی و مرگ من، همه برای خداوند پروردگار جهانیان است.

## سوره انعام (6): آیه 162

ما باید تلاش کنیم غذا خوردنمان، حرکت کردنمان، کار کردنمان، سرکار رفتنمان و همه اعمالمان برای خدا باشد و از اینکه برای غیر خدا هست باید استغفار کنیم.

نکته دوم این است که همانطور که می‌خواهیم خدا ما را ببخشد، ما هم دیگران را ببخشیم. دوستان بیایید برای رضای خدا هرکسی که در حق ما بدی کرده است، پشت سر ما غیبت کرده یا تهمت زده و حق ما را برده است ببخشیم تا خدا هم از سر تقصیرات ما بگذرد.

من که حاضر نیستم کسی که در حق من بدی کرده و نعمت خدادادیم را از من گرفته ببخشم، چطور می‌خواهم خداوند عالم انبوه گناهان من را ببخشد؟!

بهترین راه این است که در این شب‌های قدر همدیگر را حلال کنید. بنده مشاهده کردم در فضاهای مجازی دوستان کلیپ‌هایی با عنوان "من را حلال کنید" درست کرده بودند که بسیار کار خوبی است.

اصلاً ما کاری با اینها نداریم. در این شب‌ها باید با خودمان خلوت کنیم و چند دقیقه با خودمان اشک بریزیم. اگر خداوند عالم بخواهد کسی را ببخشد و دعای او را به استجابت برساند، به او قلب شکسته و چشم گریان می‌دهد.

ما درون را بنگریم و حال را

نی برون را بنگریم و قال را

بیایم برای رضای خدا از ریز و درشت هرکسی که در حق ما بدی کرده است را حلال کنیم و از خدا بخواهیم که ما را حلال کند. همچنین تلاش کنیم توجهمان به حضرت ولی عصر بیشتر باشد.



به تعبیر مرحوم آیت الله بیدآبادی تلاش کنیم خودمان را در محضر امام زمان ببینیم. حضرت آیت الله بهجت» می‌فرماید: وقتی شما «یا ابن الحسن» یا «امام زمان» می‌گویید قبل از اینکه صدای شما به گوشتان برسد، حضرت ولی عصر می‌شنود.

این بدان معناست که فاصله صدای شما با حضرت صاحب الزمان از فاصله دهان شما تا گوشتان کمتر است. تلاش کنیم در این ایام ارتباطمان را حضرت ولی عصر بیشتر کنیم. تلاش کنیم تا می‌توانیم دعای فرج را بخوانیم. هرکجایی که می‌رویم، به هرکاری مشغول هستیم یا هر گرفتاری داریم دعای فرج بخوانیم.

چندین سال قبل روزی یکی از اسرا که جانباز هفتاد درصد بود، به منزل ما آمده بود. ایشان می‌گفت: هرگاه بعضی‌ها می‌خواستند ما را برای بازجویی ببرند، من دعای فرج را می‌خواندم و می‌رفتم و اصلاً زبان آنها بند می‌آمد. او می‌گفت که من این قضیه را در طول اسارت‌م تجربه کردم.

تلاش کنیم دعای فرج را در این ایام با حالت تضرع هرچند بار که می‌توانیم بخوانیم و تا می‌توانیم صلوات بفرستیم.

### تنها کسانی که در قیامت اظهار ندامت و پشیمانی نمی‌کنند!!

به گفته آیت الله بهجت (رضوان الله تعالی علیه) اگر تمام دعاها را در یک کپسول کوچک جمع کنند، محصولش «صلوات» می‌شود.

پیغمبر اکرم فرمود: هرکس در دنیا عملی انجام داده است، فردا پشیمان می‌شود. اگر شخص نماز خوانده است، پشیمان است که چرا کم خواندم. اگر شخص روزه گرفته پشیمان است که ای کاش بیشتر می‌گرفتم.

اگر شخص به حج رفته است، با خود می‌گوید ای کاش بیشتر می‌رفتم. اگر کسی احسان کرده باشد، می‌گوید ای کاش بیشتر احسان می‌کردم. وقتی افراد نتیجه را می‌بینند اظهار ندامت می‌کند.

حضرت می‌فرماید: تنها کسانی که در قیامت اظهار ندامت نمی‌کنند، کسانی هستند که بر من و آل من صلوات می‌فرستند.

اللهم صل على محمد و آل محمد و عجل فرجهم و العن اعدائهم الى لقاء يوم الدين

**مجری:**

احسنتم؛ اللهم صل على محمد و آل محمد. طیب الله؛ حاج آقا بسیار از محضران استفاده کردیم.

همچنین از همه شما بینندگان عزیز و ارجمند تشکر می‌کنم. ان شاء الله در مناجات‌ها و ایام و لیالی قدر ما را به یاد داشته باشید و از دعای خیرتان بی نصیب نگذارید. بازهم همه با هم صلواتی بفرستیم؛ اللهم صل على محمد و آل محمد.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته